

پیش‌بینی تاب‌آوری کودکان کار بر اساس راهبردهای کنارآمدن با تنیدگی و سبک‌های دل‌بستگی

سولماز پاسبار^۱، سید ولی اله موسوی^۲، سجاد رضائی^{۳*}

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم انسانی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۳. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: کودکان کار در معرض مخاطرات متعددی قرار دارند و تاب‌آوری در شرایط پرخطر از اهمیت بسیاری برخوردار است. این پژوهش با هدف پیش‌بینی تاب‌آوری کودکان کار بر اساس راهبردهای کنارآمدن با تنیدگی و سبک‌های دل‌بستگی انجام شد. **روش:** در یک طرح همبستگی، ۱۰۰ نفر از کودکان کار مراجعه‌کننده به مؤسسات حامی کودکان کار تهران، اداره امور اجتماعی رفاهی منطقه ۱۵، مرکز کودکان کار مولوی، و بازار بزرگ تهران به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های راهبردهای کنارآمدن با تنیدگی اندلر و پارکر (۱۹۹۰)، سبک‌های دل‌بستگی بازنگری‌شده بزرگسال کولینز و رید (۱۹۹۶) و تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی پس از حذف اثر مخدوش‌کننده جنسیت، تحلیل شدند.

یافته‌ها: ضرایب همبستگی نشان داد که تاب‌آوری با سبک دل‌بستگی ایمن، دوسوگرا، راهبردهای کنارآمدن مسئله‌مدار و اجتنابی همبستگی مثبت معنادار دارد ($P < 0/01$). سطوح تاب‌آوری با سن، سطح تحصیلات، و مدت زمان اشتغال به کار کودکان، همبسته نبود ($P > 0/05$). تحلیل رگرسیون نیز نشان داد پس از حذف اثر جنسیت، زیرمقیاس‌های دل‌بستگی نقش تعیین‌کننده خود را از دست داده و تنها راهبرد کنارآمدن مسئله‌مدار ($\beta = 0/331, P = 0/001$) به طور معنی‌داری ۲۷٪ از واریانس مشترک تاب‌آوری را پیش‌بینی می‌کند ($F = 6/134, P = 0/0001$).

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که سبک کنارآمدن مسئله‌مدار با تمرکز بر حل مسئله، به ایجاد انسجام فکری در فرد کمک می‌کند و باعث می‌شود فرد منبع تنیدگی را شناسایی و قابل مهار، ارزیابی کند که این پیامد به پیش‌بینی و افزایش تاب‌آوری فرد منجر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تاب‌آوری، راهبردهای کنارآمدن با تنیدگی، سبک‌های دل‌بستگی، کودکان کار

*نویسنده مسئول: سجاد رضائی، استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

تلفن: ۰۱۳ - ۳۳۶۹۰۳۸۵

ایمیل: Rezaei_Psy@hotmail.com

مقدمه

پدیده کودکان کار^۱ یکی از معضلات گریبان‌گیر بیشتر شهرهای بزرگ در جهان معاصر است. گسترش این معضل به حدی است که جوامع توسعه‌یافته و درحال توسعه به یک اندازه با این پدیده مواجه هستند (۱). آخرین گزارش جهانی سازمان بین‌المللی کار درباره کار کودکان نشان می‌دهد تعداد کودکان کار تا سال ۲۰۰۰ از ۲۴۶ میلیون نفر به ۱۶۸ میلیون نفر کاهش یافته است و بیش از نیمی از آنان در شرایط خطرناک کار می‌کنند (۲). در کشور ما آمار و اطلاعات دقیقی از تعداد کودکان کار وجود ندارد و آمارهای موجود نیز غالباً یا به تخمین تعداد کودکان کار خیابان پرداخته و یا آماری از کودکان خیابانی است که هیچ‌کدام تبیین‌کننده تعداد کودکان کار (با توجه به طبقه‌بندی این کودکان به کار خیابانی، کارگاهی، خانگی، و سایر کارها) در ایران نیست؛ زیرا تعریف کودک خیابانی با کودک کار به طور کلی متفاوت است. در واقدر کشور ما آنچه که در تعاریف مؤسسه‌های بین‌المللی از آن به کودکان خیابان یاد می‌شود، وجود ندارد و ما با پدیده کودکان کار خیابانی مواجه هستیم. کودکان کار به کودکان کارگری گفته می‌شود که به صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می‌شوند که این امر آنها را در بیشتر اوقات از رفتن به مدرسه و تجربه دوران کودکی بی‌بهره می‌سازد و سلامت روانی و جسمی آنها را تهدید می‌کند (۱).

به عنوان یک مسئله نگران‌کننده بسیاری از پژوهش‌های نشان داده‌اند که این کودکان، به دلیل شرایط کار و زندگی در خیابان، در معرض پیامدهای نامطلوب سلامت جسمی، روانی، جنسی و مخاطرات اجتماعی قرار دارند (۳-۶). بیشتر این آسیب‌ها مربوط به کودک‌آزاری و وضعیت خانوادگی آشفته و مواجهه با تنیدگی‌های جسمی، اجتماعی، و روانی به اقتضای ساعات کاری طولانی آنها است که این مشکل با سبک

زندگی که در خیابان‌ها در پیش می‌گیرند، تشدید می‌شود (۷).

در اینجا این سوال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان از وقوع این آسیب‌ها پیشگیری کرد یا عوامل خطر را کاهش داد؟ برای پاسخ به این سوال، باید به تاریخچه آن در پیشینه آسیب‌شناسی روانی اجتماعی مراجعه کرد که نشان می‌دهد در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم با ورود سازه‌ی تاب‌آوری^۲ به عرصه ادبیات روانشناسی تحولی، بینشی دگرگون و امیدوارانه برای ساختن فردای این کودکان و نجات بزرگسالان آینده پدید آمد (۸). تاب‌آوری، ظرفیت افراد برای سازش‌یافتگی با تنیدگی و فجایع است؛ به عبارت دیگر تاب‌آوری به عنوان کلیدی محافظتی در برابر عوامل خطرآفرین معرفی شده است که از آن به عنوان یک ایده‌ی خوب، با ارزش عملگرایی بالا برای کمک و تقویت افراد در مواجهه با ناملایمات و حفظ کردن آنان در برابر خطراتی که در طول زندگی‌شان به وجود می‌آید، یاد می‌کنند (۹).

با وجود این که تعاریف تاب‌آوری ممکن است متنوع باشند، اما بیشتر محققان پذیرفته‌اند که افراد تاب‌آور ویژگی‌های مشترکی دارند. برخی از این ویژگی‌های مشترک عبارتند از: هوش بالاتر، تعلق کمتر به همسالان بزهکار، عدم سوء مصرف مواد، و بزهکاری. پژوهشگران عوامل مشترک دیگری نیز در افراد تاب‌آور بررسی کرده‌اند که عبارتند از: خودمختاری^۳ بالاتر، استقلال، همدلی، تعهد به کار، جدیت، مهارت‌های حل مسئله اثربخش، و روابط خوب با همسالان (۱۰). در پژوهشی مشخص شد افرادی که تاب‌آوری بالایی داشتند از افسردگی پایین‌تری برخوردار بودند (۱۱). همچنین مطالعه دیگری نشان داد، افرادی که تاب‌آوری بالایی داشتند از وابستگی پایین‌تر به نیکوتین و افسردگی کمتر برخوردار بودند (۱۲)؛ بنابراین با تکیه بر سوابق پژوهش تصور می‌شود با تقویت این ویژگی مثبت در افراد در معرض خطر

3. Self-determination

1. Working children
2. Resiliency

(۲۲) نشان دادند کنارآمدن مستقیم با تنیدگی، پیش‌بینی‌کننده تاب‌آوری است. پژوهشگرانی همچون فایف، اسکات، فیبرگ و زوییکل (۲۳) دریافتند افراد تاب‌آور تمایل بیشتری برای استفاده از راهبردهای کنارآمدن مسئله‌مدار دارند و استفاده از این سبک کنارآمدن، احتمال ابتلاء به بیماری‌ها را کاهش و تمایل افراد را برای دریافت خدمات سلامت افزایش می‌دهد. مطالعه دکر و هسه (۲۴) نیز نشان داد نوجوانان ۹-۱۱ ساله مبتلا به سرطان که دارای سبک کنارآمدن مسئله‌مدار بودند، تاب‌آوری بیشتر، و بالعکس آنهایی که دارای سبک کنارآمدن اجتنابی بودند، تاب‌آوری کمتری را گزارش می‌کنند.

علاوه بر سبک‌های کنارآمدن، با توجه به پژوهش‌های خارج از ایران به نظر می‌رسد دلبستگی^۴ نیز به عنوان یکی از عوامل حفاظتی است که موجبات سازش‌یافتگی بیشتر را فراهم می‌کند و در میزان تاب‌آوری افراد موثر است. جان بالبی دلبستگی را به عنوان ارتباط روانی پایدار بین دو انسان توصیف کرد و معتقد است که برای تأمین سلامت روانی و تحول هیجانی و عاطفی مطلوب کودک، برقراری روابط صمیمی، گرم، دائمی، و رضایت‌بخش بین او و مراقب ضروری است (۲۵). دلبستگی شامل سه سبک ایمن^۵ و نایمن اجتنابی^۶ و نایمن اضطرابی^۷ می‌شود (۲۶). فردی با الگوی دلبستگی ایمن، مراقب خود را قابل دسترس می‌داند و خودش را به صورت مثبت تجربه می‌کند. در الگوی دلبستگی اجتنابی، مراقب به طور پیوسته فرد را از خود می‌راند و خود نیز نایمن است، اما به طور اجباری به خودش اعتماد می‌کند و در نهایت در الگوی دلبستگی اضطرابی، فرد مراقب خود را به عنوان یک پاسخگوی بی‌ثبات، و خود را به عنوان فردی وابسته و بی‌ارزش تجربه می‌کند. برخی پژوهشگران ایجاد نوعی روان‌بنه دلبستگی در فرد را عاملی می‌دانند که در تعامل با محیط، نوع

می‌توان سبب کاهش آسیب‌های روانی و اجتماعی و افزایش توانایی سازش‌یافتگی^۱ به‌ویژه در کودکان کار در زمان بروز تنش و فشارهای خیابانی شد.

یکی از عواملی که در افزایش یا کاهش تاب‌آوری موثر واقع می‌شود، چگونگی واکنش به شرایط و تنیدگی‌ها است (۱۳). در روان‌شناسی سلامت، سبک‌های کنارآمدن^۲ یکی از مهم‌ترین عوامل روانی و اجتماعی است که رابطه بین تنیدگی و بیماری تلقی می‌شود (۱۴). فولکمن و لازاروس کنارآمدن را فرایندی پیچیده می‌دانند که با توجه به ارزیابی‌هایی که فرد از موقعیت تنش‌آور و فشارهای آن موقعیت دارد، تغییر می‌کند و تلاش‌های رفتاری - شناختی فعال فرد را در بر می‌گیرد (۱۵). پژوهشگران معتقدند که بیشتر مردم ترجیح می‌دهند تا از روش‌های کنارآمدن خاصی در موقعیت‌های تنش‌آور استفاده کنند. استفاده از راهبردهای مختلف در برابر رویدادهای تنش‌آور شیوه‌هایی را توصیف می‌کند که بر اساس آن فرد بر خود متمرکز شده و تمام تلاش او متوجه کاهش احساسات ناخوشایند خویش است. همچنین راهبردهای کنارآمدن اجتنابی^۳ مستلزم فعالیت‌ها و تغییرات شناختی است که هدف آنها اجتناب از موقعیت تنش‌آور است (۱۷).

سبک‌های کنارآمدن می‌توانند به عنوان مکملی در کنار تاب‌آوری در مقابل عواقب افسردگی، اضطراب، و تنیدگی و به عنوان پیش‌بینی‌کننده و میانجی نیمرخ آشفستگی روانشناختی در نظر گرفته شوند. در واقع این دو متغیر رابطه متقابلی دارند و با توجه به پژوهش‌های انجام شده، افراد با تاب‌آوری بالا از سبک‌های کنارآمدن مؤثر استفاده می‌کنند و از طرف دیگر، افرادی که از سبک‌های کنارآمدن مؤثر استفاده می‌کنند، از لحاظ ویژگی تاب‌آوری تقویت می‌شوند و در برابر تنیدگی و به‌ویژه در برابر عواقب افسردگی، اضطراب، و تنیدگی، بهتر می‌توانند مدارا کنند (۱۸-۲۱). در این راستا ولپه و ودافینیو

5. Secure style
6. Avoidance
7. Anxiety

1. Adjustment
2. Coping strategies
3. Avoidant coping strategy
4. Attachment

یک از مؤلفه‌های راهبردهای کنارآمدن با تنیدگی و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی تاب‌آوری بررسی شده و نتایج آن مورد بررسی قرار گرفته است.

روش

الف) طرح پژوهش و شرکت کنندگان: در این پژوهش از روش میدانی استفاده شد و نوع مطالعه توصیفی از نوع همبستگی بود و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه گردآوری شدند. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی کودکان کار (۱۸-۱۲ ساله) مراجعه‌کننده به مؤسسات حامی کودکان کار تهران، اداره امور اجتماعی رفاهی منطقه ۱۵، مرکز کودکان کار مولوی، و بازار بزرگ تهران در فاصله زمانی ۲ ماه (تیرالی شهریور ماه ۹۶) بودند. حجم نمونه شامل ۱۰۰ نفر از جامعه مذکور بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. به منظور تعیین حجم نمونه برای حداکثر ۶ متغیر مستقل در بلوک پیش‌بین (سه زیرمقیاس راهبردهای کنارآمدن و سه زیرمقیاس سبک‌های دلبستگی) و ۴ متغیر همپراش (سن، جنسیت، سطح تحصیلات و مدت زمان اشتغال به کار)، با توجه به خانوادگی آزمون F از نسخه ۳، ۱، ۹، ۲ برنامه نرم‌افزاری G*Power استفاده شد (۳۳). با این وجود نظریه محدودیت دسترسی به این کودکان برای تعیین حجم نمونه، احتمال خطای نوع اول (آلفا) در سطح ۰/۹۵ (سطح اطمینان ۰/۹۵)، توان آزمون^۲ برابر با ۰/۸۰، و اندازه اثر^۳ متوسط $f^2=0/15$ در نظر گرفته شد که در این حالت حجم نمونه معادل ۹۸ نفر به‌دست آمد. به طور کلی معیارهای ورود به مطالعه شامل این موارد بود: ۱) رضایت کامل افراد نمونه، ۲) برخوردار بودن از سواد در سطح ابتدایی، ۳) دامنه سنی ۱۲-۱۸ سال. ملاک‌های خروج نیز شامل، ۱) همکاری نامناسب در تکمیل ارزیابی‌ها، ۲) ابراز هرگونه نارضایتی طی اجرای آزمون‌ها، و ۳) ابتلا به بیماری‌های جسمانی و روانی معنادار، بود.

رفتار آتی او را تعیین می‌کند (۲۷). پژوهش‌های انجام شده در مورد نوجوانان و بزرگسالان نشان داده است که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، سطوح پایین‌تری از عواطف منفی را گزارش می‌کنند و تاب‌آوری بیشتری دارند (۲۸). بارتلی، هد و استنسفلند (۲۹) نشان دادند که افراد ایمن در مقایسه با افراد نایمن از تاب‌آوری بیشتری برخوردارند. مطالعات سریف تریزی نیز با هدف بررسی نقش سبک دلبستگی ایمن و راهبردهای کنارآمدن با تنیدگی، و اثر متقابل آنها بر روی تاب‌آوری نشان داد که سبک دلبستگی ایمن و سبک‌های کنارآمدن از پیش‌بینی‌کننده‌های معنی‌دار و مهم تاب‌آوری هستند (۳۰). نتایج پژوهش دیگری که به بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با میزان تاب‌آوری زنان پرداخته بود، نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و میزان تاب‌آوری، رابطه مستقیم؛ و بین سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و میزان تاب‌آوری، رابطه غیرمستقیم وجود دارد. همچنین بین سبک دلبستگی نایمن اضطرابی و میزان تاب‌آوری نیز رابطه‌ای به دست نیامد (۳۱). بر اساس دیدگاه برخی از پژوهشگران می‌توان نوع دلبستگی را به عنوان چهارچوبی جامع برای توضیح تفاوت‌های فردی افراد در سازش‌یافتگی و تاب‌آوری آنان در نظر گرفت (۳۲). اطلاعات محدودی در مورد منابع تاب‌آوری به عنوان یکی از عوامل حفاظتی در برابر خطرات پیرامون کودکان کار وجود دارد. همچنین با توجه به آسیب‌های فراروی کودکان کار در جامعه‌ی امروز و اهمیت بررسی و شناسایی آسیب‌ها، به عنوان پایه و زیربنای کنش‌وری سالم روانی و ذهنی، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی تاب‌آوری براساس راهبردهای کنارآمدن با تنیدگی و سبک‌های دلبستگی کودکان کار طراحی شد. برپایه پژوهش‌های پیشین روشن شده است که بهبود تاب‌آوری در مجموع به کاهش تنیدگی و پیشگیری از بروز رفتارهای آسیب‌رسان منتهی خواهد شد. در این مطالعه نقش حفاظتی هر

3. Effect size

1. Type I Error (alpha)
2. Power

و نزدیکی هیجانی را اندازه‌گیری می‌کند، و (۳) اضطراب: ترس از داشتن رابطه را در ارتباط‌ها می‌سنجد (۳۴). زیرمقیاس اضطراب با دلبستگی اضطرابی یا دوسوگرا مطابقت دارد. زیرمقیاس نزدیک بودن، یک بعد دوقطبی است که اساساً توصیف‌های ایمنی و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد؛ بنابراین زیرمقیاس وابستگی را می‌توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. این پرسش‌نامه در پژوهش‌های متعددی مورد بررسی قرار گرفته و اعتبار و روایی آن به دست آمده است. اعتبار آزمون در پژوهش کولینز و رید در سال ۱۹۹۰ بیش از ۰/۸۰ گزارش شده است. نتایج حاصل از دو بار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر نشان داد این آزمون در سطح ۹۵ درصد قابل اعتماد است (۳۴). پاکدامن به منظور بررسی روایی محتوا، این مقیاس را روی ۱۰۰ نفر از دانش‌آموزان دوم دبیرستان اجرا کرد و ضریب همبستگی نمره کل را با خرده‌مقیاس دلبستگی، ۰/۴۵؛ با اضطراب، ۰/۷۱؛ و با نزدیک بودن ۰/۵۷، به دست آورد (به نقل از ۳۵).

۳. پرسشنامه راهبردهای کنارآمدن با تنیدگی اندلر و پارکر^۳: این پرسشنامه، مداد کاغذی است و توسط اندلر و پارکر (۱۹۹۰) برای سنجش روش‌های کنارآمدن نوجوانان و بزرگسالان در موقعیت‌های تنش‌آور و بحرانی ساخته شده است. این پرسشنامه دارای فرم بزرگسالان و نوجوانان بوده و از ۲۱ گویه تشکیل شده است. هر سؤال از ۵ مقیاس درجه‌بندی هرگز (نمره ۱) تا خیلی زیاد (نمره ۵) تشکیل شده است. ۷ گویه این آزمون رفتارهای مسئله‌مداری، ۷ گویه رفتارهای هیجان‌مداری، و ۷ گویه باقیمانده، رفتارهای اجتنابی فرد را اندازه‌گیری می‌کند (۳۶). بویسان اعتبار این پرسشنامه را به روش بازآزمایی بعد از ۱۵ روز روی دانشجویان ترکیه‌ای برای زیرمقیاس‌های مسئله‌محور ۰/۷۹، هیجان‌محور ۰/۷۵ و برای راهبردهای کنارآمدن اجتنابی ۰/۶۶ گزارش کرده است (۳۷). در ایران حسینی دولت‌آبادی و همکاران (۳۸) اعتبار زیرمقیاس‌های

میانگین سنی کودکان کار $14/58 \pm 1/46$ بود و به طور متوسط $1/65 \pm 8/28$ سال، درس خوانده بودند. از ۱۰۰ کودک کار ۴۶ نفر دختر و مابقی پسر بودند. ۳۴ نفر آنها تا مقطع دبستان و مابقی در مقاطع راهنمایی و دبیرستان تحصیل کرده بودند. ۸۵ نفر آنها فاقد پدر بودند، ۱۴ نفر مادر خود را از دست داده بودند و تنها یک نفر از آنها با هر دو والد زندگی می‌کرد. از ۱۰۰ کودک ارزیابی شده تنها ۵ کودک وجود طلاق والدین را گزارش کردند.

(ب) ابزار: جهت گردآوری اطلاعات پژوهشی از سیاهه اطلاعات جمعیت‌شناختی و سه پرسشنامه‌های اعتباریابی شده زیر استفاده شد:

۱. پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی: در پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی، از کودکان کار خواسته شد تا اطلاعاتی درباره سن، جنسیت، مدت زمان اشتغال به کار، و میزان تحصیلات رسمی خود ارائه کنند.

۲. مقیاس دلبستگی بزرگسال تجدیدنظرشده کولینز و رید^۴: این پرسشنامه در سال ۱۹۹۰ توسط کولینز و رید تهیه شد و در سال ۱۹۹۶ توسط آنها مورد بازنگری قرار گرفت. مبنای نظری این آزمون نظریه دلبستگی است و بر پایه توصیف‌هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان هازان و شیور از سه سبک اصلی دلبستگی ارائه شد، گویه‌های این پرسشنامه تدوین شد. این مقیاس شامل خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خودتوصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به الگوهای دلبستگی نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ گویه بوده و از طریق علامت‌گذاری بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت (به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد=۱، تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد=۵) سنجیده می‌شود. نتایج تحلیل عاملی، سه زیرمقیاس را در این پرسشنامه نشان می‌دهد: (۱) دلبستگی: میزانی که اعتماد آزمودنی را به دیگران می‌سنجد، (۲) نزدیکی: میزان آسایش در رابطه با صمیمیت

3. Endler & Parker Coping Inventory for Stressful Situations (CISS-21)

1. Revised Adult's Attachment Styles (Collins & Reid)
2. Closeness

صورت انفرادی و یا گروهی (حداکثر تا ۱۰ نفر) پس از کسب رضایت آگاهانه و به شرط حفظ گمنامی و محرمانه بودن اطلاعات، به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. پس از ارائه توضیحات کوتاهی در مورد آزمون‌ها و نحوه تکمیل آنها، ابزار پژوهش در اختیار کودکان قرار می‌گرفت. به این ترتیب هر کودک باید ۳ پرسشنامه به همراه یک پرسشنامه مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی را تکمیل می‌کرد. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی شامل فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، دامنه تغییرات، آزمون تی استیودنت نمونه‌های مستقل، ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون، و تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی پس از حذف اثر مخدوش‌کننده‌های جمعیت‌شناختی، تحلیل شدند.

یافته‌ها

تحلیل داده‌ها روی ۱۰۰ کودک کار (۴۶ دختر و ۵۴ پسر) انجام گرفت. جدول ۱ مشخصه‌های آماری شامل میانگین و انحراف معیار ویژگی‌های جمعیتی آزمودنی‌ها و نیز ضرایب همبستگی راهبردهای کنار آمدن با شرایط تنش‌آور و سبک‌های دلبستگی را با متغیر تاب‌آوری نشان می‌دهد.

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود بین تاب‌آوری با سبک دلبستگی ایمن ($P < 0/01$ ، $r = 0/32$)، دوسوگرا ($P < 0/01$ ، $r = 0/28$)، راهبرد کنار آمدن مسئله‌مدار ($P < 0/01$ ، $r = 0/42$)، و اجتناب‌مدار ($P < 0/01$ ، $r = 0/42$) همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. همچنین بین تاب‌آوری با راهبرد کنار آمدن هیجان‌مدار و سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، تحصیلات و مدت کار) ارتباط معنی‌داری مشاهده نشد ($P > 0/05$).

مسئله‌محور، هیجان‌محور، و اجتنابی را بر روی ۲۰ دانشجو در فاصله ۱۵ روز به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۷ و ۰/۷۱ محاسبه کرده‌اند. نتایج تحلیل روایی همزمان در مطالعه قریشی راد (۳۹)، از اجرای مقیاس بیلینگز و موس و کنار آمدن با بحران اندلر و پارکر، ضریب همبستگی ۰/۶۲ برای مقیاس مسئله‌مدار و ۰/۴۰ برای هیجان‌مدار ($P = 0/0001$) را نشان داد.

۴. مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون^۱: این پرسشنامه را کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) با مرور منابع پژوهشی ۱۹۹۱-۱۹۷۹ حوزه تاب‌آوری تهیه کردند. بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در ۶ گروه، جمعیت عمومی، مراجعه‌کنندگان به بخش مراقبت‌های اولیه، بیماران سرپایی روانپزشکی، بیماران با مشکل اختلال اضطراب فراگیر، و دو گروه از بیماران تنیدگی مبتلا به پس از سانحه انجام شده است. مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون ۲۵ گویه دارد که در یک مقیاس لیکرت بین صفر (کاملاً نادرست) تا پنج (همیشه درست) با دامنه ۲۵-۱۲۵ نمره گذاری می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۶ گزارش شده است (۴۰). بیگدلی و همکاران (۴۱)، همسانی درونی این مقیاس را بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۹۰ گزارش کردند. روایی این مقیاس بر اساس تحلیل عاملی تأییدی برای هر ۱۰ سؤال، بار عاملی بین ۴۴ تا ۹۳ درصد بارگذاری شده است که این حاکی از روایی سازه مطلوب و قابل قبول برای این مقیاس است (۴۲).

روش اجرا

پس از تصویب طرح پیشنهادی پژوهش حاضر در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت و اخذ معرفی‌نامه از آن، به منظور توزیع پرسشنامه‌ها به مراکز حمایت از کودکان کار از قبیل سازمان‌های غیر دولتی حامی کودکان در شهر تهران مراجعه شد. هریک از شرکت‌کنندگان به

1. Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC)

جدول ۱. ماتریس ضرایب همبستگی بین تاب‌آوری با سبک‌های کنار آمدن با تنیدگی، دلبستگی و متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیرها	M±SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱. تاب‌آوری	۵۶/۸۰±۱۰/۹۰										
۲. سن (به‌سال)	۱۴/۸۴±۱/۵۳	۰/۱۱									
۳. تحصیلات (به‌سال)	۷/۳۳±۲/۲۱	۰/۱۸	۰/۷۵ ^{°°}								
۴. مدت کار (به‌ماه)	۴۳/۶۹±۲۵/۶۹	-۰/۰۲۲	۰/۳۷ ^{°°}	۰/۱۹ [°]							
۵. ایمن	۱۹/۴۷±۴/۱۵	۰/۳۲ ^{°°}	-۰/۰۷۹	۰/۲۶ ^{°°}	۰/۲۴ [°]						
۶. اجتنابی	۱۸/۱۵±۳/۶۱	-۰/۰۰۷	-۰/۰۴۶	-۰/۰۲۱	۰/۰۸۹	-۰/۰۱۷					
۷. دوسوگرا	۱۸/۹۶±۲/۵۱	۰/۲۸ ^{°°}	۰/۰۲۳	-۰/۰۶۸	۰/۰۱۳	۰/۰۵۱	-۰/۰۹۰				
۸. مسئله‌مدار	۲۳/۵۴±۴/۸۲	۰/۴۲ ^{°°}	۰/۲۲ [°]	۰/۲۱ [°]	۰/۱۹	۰/۳۱ ^{°°}	۰/۱۳	۰/۱۱			
۹. هیجان‌مدار	۱۶/۰۲±۵/۰۶	-۰/۰۱۷	-۰/۰۱۶	-۰/۰۲۹ ^{°°}	-۰/۰۲۱ [°]	-۰/۰۴۵ ^{°°}	۰/۱۲	۰/۳۹ ^{°°}	-۰/۰۱۷		
۱۰. اجتنابی	۲۴/۰۱±۵/۶۸	۰/۴۲ ^{°°}	۰/۲۱ [°]	۰/۲۰ [°]	۰/۱۸	۰/۴۳ ^{°°}	-۰/۰۱۷	۰/۶۳ ^{°°}	۰/۱۶	-۰/۲۶ ^{°°}	

**P<۰/۰۱, *P<۰/۰۵

آزمون لوین نشان داد که واریانس‌های بین دو گروه جنسیتی از نظر تاب‌آوری برابر نیست ($F=۹/۸۱۷, P<۰/۰۰۲$)؛ بنابراین از نتایج آزمون تی با واریانس نابرابر استفاده شد.

جدول ۲ نتایج آزمون تی استیودنت مستقل را برای مقایسه میانگین‌های تاب‌آوری در دو گروه دختران و پسران کار نشان می‌دهد. بررسی پیش‌فرض آزمون تی مستقل با استفاده از

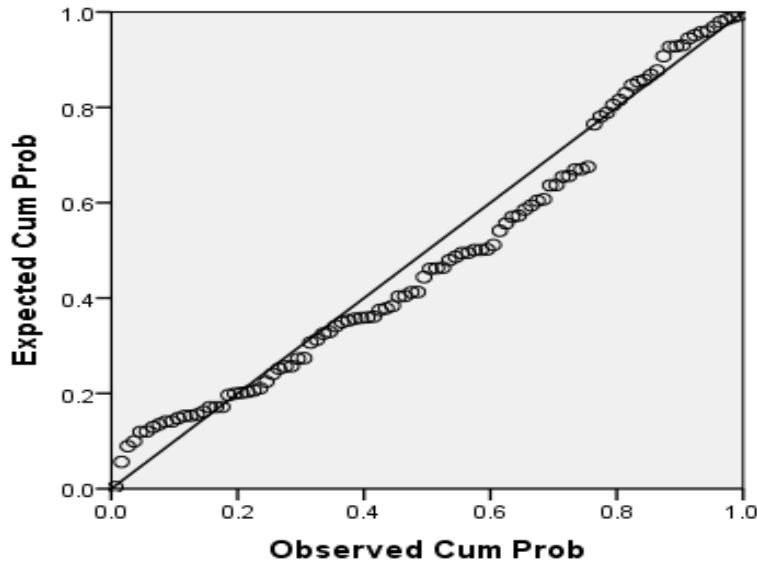
جدول ۲. نتایج آزمون t استیودنت مستقل برای مقایسه میانگین تاب‌آوری کودکان کار بر اساس جنسیت

جنسیت	تعداد	M±SD	t	P-Value
دختر	۴۶	۵۴/۴۳±۸/۲۷	۲/۰۹	۰/۰۴
پسر	۵۴	۵۸/۸۱±۱۲/۴۴		

پیش‌بینی واریانس نمرات تاب‌آوری کنترل شد. نمودار P-P نرمال که در ذیل آمده است (نمودار ۱) نشان داد احتمال تجمعی مشاهده شده^۱ یا نقاطی که نماینده باقی‌مانده‌های استاندارد شده متغیر ملاک هستند به خط نرمال (که نماینده توزیع نرمال است) نزدیک است؛ بنابراین می‌توان دریافت انحراف داده‌های متغیر ملاک از توزیع نرمال، اندک است.

نتایج حاصل از جدول ۲ نشان می‌دهد که بین میزان تاب‌آوری کودکان کار در دو گروه جنسیتی تفاوت معنی‌دار وجود دارد، بدین معنا که گروه پسران در مقایسه با دختران، تاب‌آوری بیشتری از خود نشان می‌دهند؛ بنابراین در این مطالعه متغیر جنسیت به عنوان متغیر مخدوش‌کننده در نظر گرفته شد و در تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی تاثیر آن در

1. Observed cumulative probability



نمودار ۱. باقیمانده‌ها استاندارد شده رگرسیون نمرات تاب‌آوری

رگرسیون را قبل و بعد از کنترل متغیر مخدوش کننده جنسیت در قالب مدل‌های ۱ و ۲ نشان می‌دهد.

علاوه بر این نتایج آزمون دورین-واتسن ($DW=1/887$) نشان داد مفروضه مستقل بودن خطاها برای اجرای تحلیل رگرسیون برقرار است. در ادامه جدول ۳ نتایج حاصله مدل

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون سلسله‌مراتبی تاب‌آوری قبل و بعد از کنترل متغیر مخدوش کننده جنسیت

مدل‌ها	R	R ²	R ² تعدیل شده	SE _E	DW
۱	۰/۲۰۱	۰/۰۴۰	۰/۰۳۱	۱۰/۷۳	۱/۸۸۷
۲	۰/۵۶۴	۰/۳۱۸	۰/۲۶۶	۹/۳۴	

ارتباط معنی‌داری با تاب‌آوری دارد و مقادیر آن را پیش‌بینی می‌کنند ($F=6/134$, $P<0/001$). علامت‌های ضرایب بتا می‌تواند همانند ماتریس ضرایب همبستگی به دست آمده در این پژوهش تفسیر شود، با این وجود می‌توان گفت با یک واحد افزایش در انحراف استاندارد نمره راهبرد کنار آمدن مسئله‌مدار، نمره تاب‌آوری به میزان ۰/۳۲ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد.

نتایج جدول ۳ حاکی از آن است که پس از کنترل متغیر مخدوش کننده جنسیت، ضرایب R^2 و R^2 تعدیل شده مدل سلسله‌مراتبی بهبود می‌یابد؛ به گونه‌ای که سرانجام در مدل تعدیل شده دوم، حدود ۲۷ درصد تغییرات تاب‌آوری به وسیله متغیر راهبرد کنار آمدن مسئله‌مدار قابل تبیین است. جدول ۴ نتایج تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی نمرات تاب‌آوری کودکان کار را از روی سبک‌های دلبستگی و کنار آمدن با تنیدگی پس از کنترل متغیر مخدوش کننده جنسیت نشان می‌دهد.

بر اساس نتایج جدول ۵، پس از حذف اثر متغیر مخدوش کننده جنسیت، متغیر راهبرد کنار آمدن مسئله‌مدار،

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون تاب‌آوری بر اساس سبک‌های دلبستگی و کنار آمدن با تنیدگی پس از کنترل متغیر جنسیت

متغیرها در مدل سازگار شده	ضرایب استاندارد نشده			ضرایب استاندارد شده		سطح اطمینان ۹۵٪	P-value	t-value	حد بالا	حد پایین
	B	SE	β	β	SE					
۱- مقدار ثابت (constant)	۵۰/۰۵	۳/۴۹	-	-	۱۴/۳۶	۴۳/۱۳۷	۰/۰۰۱	۱۴/۳۶	۵۶/۹۷۳	۴۳/۱۳۷
جنسیت	۴/۳۸	۲/۱۵	۰/۲۰۱	۰/۲۰۱	۲/۰۳	۰/۱۰۶	۰/۰۴۵	۲/۰۳	۸/۶۵۴	۰/۱۰۶
۲- مقدار ثابت (constant)	۱۹/۵۴۵	۱۱/۵۵۲	-	-	۱/۶۹۲	-۴/۱۵۹	۰/۰۹۴	۱/۶۹۲	۴۲/۶۰۰	-۴/۱۵۹
سبک‌های ایمن	۰/۲۲۴	۰/۲۸۴	۰/۰۸۵	۰/۰۸۵	۰/۷۸۹	-۰/۳۹۸	۰/۴۳۲	۰/۷۸۹	۰/۸۱۱	-۰/۳۹۸
دلبستگی اجتنابی	۰/۱۷۳	۰/۳۹۰	۰/۰۴۰	۰/۰۴۰	۰/۴۴۵	-۰/۶۲۷	۰/۶۵۷	۰/۴۴۵	۰/۹۵۱	-۰/۶۲۷
دوسوگرا	۰/۳۲۵	۰/۵۱۱	۰/۱۰۸	۰/۱۰۸	۰/۶۳۶	-۰/۶۹۳	۰/۵۲۶	۰/۶۳۶	۱/۳۶۷	-۰/۶۹۳
سبک‌های مسئله‌مدار	۰/۷۴۵	۰/۲۱۳	۰/۳۲۸	۰/۳۲۸	۳/۴۹۲	۰/۳۲۰	۰/۰۰۱	۳/۴۹۲	۱/۱۷۸	۰/۳۲۰
کنار آمدن با هیجان‌مدار	-۰/۱۱۳	۰/۲۶۸	-۰/۰۵۹	-۰/۰۵۹	-۰/۴۲۰	-۰/۶۴۶	۰/۶۷۵	-۰/۴۲۰	۰/۴۳۴	-۰/۶۴۶
تنیدگی اجتناب‌مدار	۰/۵۵۴	۰/۳۵۴	۰/۲۵۷	۰/۲۵۷	۱/۵۶۴	-۰/۱۸۷	۰/۱۲۱	۱/۵۶۴	۱/۲۶۷	-۰/۱۸۷

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش به منظور پیش‌بینی تاب‌آوری از طریق راهبردهای کنار آمدن با تنیدگی و سبک‌های دلبستگی در کودکان کار شهر تهران انجام شد. تحلیل‌های همبستگی نشان داد که سبک‌های دلبستگی ایمن و دوسوگرا و همچنین راهبردهای کنار آمدن مسئله‌مدار و اجتناب‌مدار با سطوح تاب‌آوری در کودکان کار رابطه معنادار دارد (جدول ۱). نتایج تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی پس از کنترل اثر جنسیت نشان داد که سبک کنار آمدن مسئله‌مدار می‌تواند تاب‌آوری کودکان کار را به صورت مستقیم پیش‌بینی کند (جدول ۵). در مجموع الگوی پیشنهادی حاصل از تحلیل رگرسیون توانست ۲۷٪ از تغییرات حاصل از تاب‌آوری را تبیین کند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد نمرات هیچ کدام از سبک‌های دلبستگی نقش تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی تاب‌آوری کودکان کار ندارد. این یافته متناقض با برخی از پژوهش‌های پیشین است (۲۸، ۳۲). دلیل این تناقض را عمدتاً می‌توان در تفاوت میان طرح پژوهش، روش نمونه‌برداری، حجم نمونه، وضعیت سنی شرکت‌کنندگان، و عدم اشتغال به کار در سن زیر ۱۸ سالگی این مطالعه، با پژوهش‌های پیشین ردیابی کرد. با این حال راهبرد کنار آمدن مسئله‌مدار قوی‌ترین رابطه را با تاب‌آوری نشان داد ($r=0/42$ ، جدول ۱). در

پژوهش‌های پیشین نیز ارتباط بین راهبرد کنار آمدن مسئله‌مدار و تاب‌آوری تأیید شده است و نتایج آنها با این پژوهش همخوان است (۱۸، ۲۴). این یافته نشان می‌دهد آن دسته از کودکان کار که از راهبرد کنار آمدن مسئله‌مدار استفاده می‌کنند از تاب‌آوری بالاتری نیز در مقابل فشارها و تنش‌های زندگی برخوردارند. تاب‌آوری به عنوان یک احساس بنیادی از توانایی مهارگری، به فرد امکان ترسیم و دسترسی به فهرستی از راهبردها را می‌دهد که از عهده آنها برمی‌آید. این فهرست نقش مهمی در مواجهه با حوادث تنش‌آور زندگی به عنوان منبع مقاومت و سپر محافظ دارد (۹). افراد تاب‌آور، چاره‌ساز و انعطاف‌پذیر بوده، مطابق تغییرات محیطی، سازش‌پذیرند و بعد از برطرف شدن عوامل تنش‌آور، به سرعت به حالت بهبود باز می‌گردند. افرادی که از سطح پایین تاب‌آوری برخوردارند، به مقدار ناچیزی خودشان را با موفقیت‌های جدید تطبیق می‌دهند. این افراد به کندی از موقعیت‌های تنش‌آور به حالت عادی و طبیعی برمی‌گردند (۱۰)؛ بنابراین از آن جایی که تاب‌آوری توانایی تحمل روانی و سازش‌یافتگی با بحران‌های زندگی و غلبه بر آنهاست، نوع سبک کنار آمدن کودک کار در مواجهه با تنیدگی‌های زندگی می‌تواند در تاب‌آوری آنها موثر باشد.

ابزارهای به کار رفته در این پژوهش، از نوع خودگزارش‌دهی بودند، برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر پیشنهاد می‌شود از مشاهده و مصاحبه بالینی نیز استفاده شود. در عین حال بر اساس نتایج پژوهش حاضر می‌توان پیشنهاد داد برنامه‌هایی در زمینه آموزش راهبردهای کنارآمدن موثر از جمله راهبرد مسئله‌مدار هنگام رویارویی با تنش‌های خیابانی در کودکان کار در راستای افزایش تاب‌آوری آنها، طراحی شود و در ارائه خدمات پیشگیرانه به کودکان کار در اولویت قرار گیرد. علاوه بر این مشاوران و مددکارانی که با این کودکان در ارتباط هستند می‌توانند منابع افزایش تاب‌آوری به‌ویژه راهبرد کنارآمدن مسئله‌مدار را در آنها مورد توجه قرار داده و برنامه‌های آموزش تاب‌آوری را در آنها عملی سازند.

تشکر و قدردانی: این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم سولماز پاسیار در رشته روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد واحد رشت به راهنمایی دکتر سیدولی اله موسوی و مشاورت دکتر سجاد رضائی و با کد ۶۱۳۲۰۷۰۱۹۴۲۰۹۱ است. نویسندگان از سوی مسئولین مؤسسات حامی کودکان کار تهران، اداره امور اجتماعی رفاهی منطقه ۱۵ تهران، و مرکز کودکان کار مولوی جهت اجرای پژوهش، مورد حمایت قرار گرفتند که بدین وسیله از آنها تشکر و قدردانی می‌شود.

تضاد منافع: یادآور می‌شود این پژوهش برای نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافی به دنبال نداشته است.

آن دسته از کودکان کار که از سبک کنارآمدن مسئله‌مدار استفاده می‌کنند، در هنگام رویارویی با موقعیت تنش‌آور به طور مستقیم با مشکل درگیر می‌شوند و از تمام نیروی خود استفاده می‌کنند تا این شرایط باعث نظم فکری آنها شده و آشفته‌گی هیجانی آنها را کاهش دهد. علاوه بر این به کارگیری سبک کنارآمدن مسئله‌مدار در موقعیت‌های تنش‌آور موجب می‌شود که فرد با تمرکز بر مشکل در صدد حل مسئله تلاش کند و به دلیل این انسجام فکری فراهم‌شده، منبع تنیدگی را شناسایی کند که این موضوع باعث می‌شود منبع تنیدگی به طور قابل مهار ارزیابی شود. در این حالت حتی اگر مشکل نیز حل نشود، شناسایی منبع تنیدگی از یک سو و افزایش آگاهی و احساس مهارگری بیشتر نسبت به عوامل تنش‌آور از سوی دیگر، به بهبود سلامت روانی فرد کمک می‌کند. این پیامد در حوزه توانمندی شخصی و افزایش تاب‌آوری می‌تواند محصول فرایند کنارآمدن مسئله‌مدار باشد. همچنین استفاده از راهبرد مسئله‌مدار، فرایندهای ذهنی فرد را فعال می‌کند و این فعالیت شناختی، باعث گسترده‌گی دیدگاه فرد نسبت به مسئله و منبع تنیدگی می‌شود؛ در نتیجه احتمال رسیدن به راه حل موثر و کنارآمدن با تنیدگی افزایش می‌یابد (۲۱).

از محدودیت پژوهش حاضر، انتخاب نمونه‌ای در دسترس از کودکان کار مراجعه‌کننده به برخی سازمان‌ها در شهر تهران بود؛ بنابراین در تعمیم نتایج به سایر کودکان کار و خیابان باید جانب احتیاط رعایت شود. با توجه به این که

References

1. Hosseini H. The conditions of work and street children in Iran. *Social Welfare Quarterly*. 2006; 5(19): 155-174. [Persian]. [\[Link\]](#)
2. Labour (IPEC) IP on the E of C. World report on child Labour: Economic vulnerability, social protection and the fight against child Labour [Internet]. 2013 Apr [cited 2018 Jul 21]. [\[Link\]](#)
3. Watthayu N, Wenzel J, Sirisreetreeru R, Sangprasert C, Wisettanakorn N. Rapid assessment and response: the context of HIV/AIDS and adolescents in Bangkok. *J Nurs Sci*. 2011; 29(3): 28–35. [\[Link\]](#)
4. Ray P, Davey C, Nolan P. Still on the Streets-Still Short of rights Analysis of Policy and Programs Related to Street Involved Children, Consortium for Street Children. 2011. [\[Link\]](#)
5. Thomas de Benitez S. State of the world's street children: Violence. London: Consortium for Street Children (UK); 2007, pp:42-57. [\[Link\]](#)
6. Aptekar L. Street children in the developing world: A review of their condition. *Cross Cult Res*. 1994; 28(3): 195–224 [\[Link\]](#)
7. Vameghi M, Sajjadi H, Rafiey H, Rashidian A. Systematic review of studies on street children in Iran in recent decade: Poverty, a Risk Factor for Becoming A Street child. *Social Welfare Quarterly*. 2010; 9(35): 337-378. [\[Link\]](#)
8. Wadsworth ME, Santiago CD. Risk and resiliency processes in ethnically diverse families in poverty. *J Fam Psychol*. 2008; 22(3): 399–410. [\[Link\]](#)
9. Hart A, Blincow D, Thomas H. Resilient therapy: Working with children and families. London: Routledge; 2007, pp:115-124. [\[Link\]](#)
10. Khoda javadi R, Dara P. The relationship between emotional intelligence and resilience in students at university of social welfare science and rehabilitation. *Journal of Research on Addiction*. 2009; 2(8): 69-82. [Persian]. [\[Link\]](#)
11. Moljord IEO, Moksnes UK, Espnes GA, Hjemdal O, Eriksen L. Physical activity, resilience, and depressive symptoms in adolescence. *Ment Health Phys Act*. 2014; 7(2): 79–85. [\[Link\]](#)
12. Goldstein AL, Faulkner B, Wekerle C. The relationship among internal resilience, smoking, alcohol use, and depression symptoms in emerging adults transitioning out of child welfare. *Child Abuse Negl*. 2013; 37(1): 22-32. [\[Link\]](#)
13. Zarei S, Asadi Z. The comparison of personality characteristics and coping styles in addicted and non-addicted adolescents. *Journal of Research on Addiction*. 2012; 5(20). 87-104. [Persian]. [\[Link\]](#)
14. Somerfield MR, McCrae RR. Stress and coping research. Methodological challenges, theoretical advances, and clinical applications. *Am Psychol*. 2000; 55(6): 620–625. [\[Link\]](#)
15. Folkman S, Lazarus RS. If it changes it must be a process: study of emotion and coping during three stages of a college examination. *J Pers Soc Psychol*. 1985; 48(1): 150–170. [\[Link\]](#)
16. Hamid PN, Yue XD, Leung CM. Adolescent coping in different Chinese family environments. *Adolescence*. 2003; 38(149): 111–130. [\[Link\]](#)
17. Shahgholian M, Jan Nesar Shargh R, Abd Elahi MH. The relationship between emotional intelligence and coping styles with couples' communication patterns. *Counseling Research and Development*. 2007; 6(22): 73–88. [Persian]. [\[Link\]](#)
18. Soleymani E, Babae K, Atadokht A. The Role of Distinguished Psychological Resilience and Coping Styles Emotional -Oriented Coping and Problem-Focused Coping Styles in Predicting Students' Psychological Distress Profile and Comparison on the Basis of Gender. *Culture in the Islamic University*. 2016; 6(19): 233–250. [Persian]. [\[Link\]](#)
19. Secades XG, Molinero O, Salguero A, Barquín RR, de la Vega R, Márquez S. Relationship between resilience and coping strategies in competitive sport. *Percept Mot Skills*. 2016; 122(1): 336–349. [\[Link\]](#)
20. Sarkar M, Fletcher D. How should we measure psychological resilience in sport performers? *Meas Phys Educ Exerc Sci*. 2013; 17(4): 264–280. [\[Link\]](#)
21. Belem IC, Caruzzo NM, Junior JRA do N, Vieira JLL, Vieira LF. Impact of coping strategies on resilience of elite beach volleyball athletes. *Rev bras cineantropom desempenho hum*. 2014; 16(4): 447–55. [\[Link\]](#)

22. Vulpe A, Dafinoiu I. Positive emotions, coping strategies and ego-resiliency: A mediation model. *Procedia Soc Behav Sci.* 2012; 33: 308–312. [\[Link\]](#)
23. Fife BL, Scott LL, Fineberg NS, Zwickl BE. Promoting adaptive coping by persons with HIV disease: evaluation of a patient/partner intervention model. *J Assoc Nurses AIDS Care.* 2008; 19(1): 75–84. [\[Link\]](#)
24. Decker CL, Haase JE. The relationships of uncertainty, family, social support and resiliency to coping in adolescents with cancer. *J Adolesc Health.* 2005; 36(2): 126-127. [\[Link\]](#)
25. Mahmoudi GH, Hasanzade R, Fasihi R, Eghbal MR. Relationship between Attachment Style and Alexithymia as an Effective Factor on Student Resiliency. *Journal of health breeze.* 2014; 2(1):61-69. [Persian]. [\[Link\]](#)
26. Stein M. Young people aging out of care: The poverty of theory. *Child Youth Serv Rev.* 2006; 28(4): 422–434. [\[Link\]](#)
27. Stein A, Gath DH, Bucher J, Bond A, Day A, Cooper PJ. The relationship between post-natal depression and mother-child interaction. *Br J Psychiatry.* 1991; 158: 46–52. [\[Link\]](#)
28. Crugnola CR, Tambelli R, Spinelli M, Gazzotti S, Caprin C, & Albizzati A. Attachment patterns and emotion regulation strategies in the second year. *Infant Behavior & Development.* 2011; 34(1): 136-151. [\[Link\]](#)
29. Bartley M, Head J, Stansfeld S. Is attachment style a source of resilience against health inequalities at work? *Soc Sci Med.* 2007; 64(4): 765–775. [\[Link\]](#)
30. Terzi Ş. Secure attachment style, coping with stress and resilience among university students. *The Journal of Happiness and Well-Being.* 2001; 1(2): 89–100. [\[Link\]](#)
31. Akbari Z, Vafaei T, Khosravi S. Relationship between attachment styles and the resiliency amount of veteran's wives. *Iran J War Public Health.* 2011; 3(2): 12-17. [Persian]. [\[Link\]](#)
32. Karreman A, Vingerhoets AJJM. Attachment and well-being: The mediating role of emotion regulation and resilience. *Pers Individ Dif.* 2012; 53(7): 821–826. [\[Link\]](#)
33. Faul F, Erdfelder E, Buchner A, Lang AG. Statistical power analyses using G* Power 3.1: Tests for correlation and regression analyses. *Behav Res Methods.* 2009;41(4):1149-60. [\[Link\]](#)
34. Collins NL, Read SJ. Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *J Pers Soc Psychol.* 1990; 58(4): 644–663. [\[Link\]](#)
35. Yaghubi R, Azad-Fallah P, Tabatabaee SK. The relationship between approach/avoidance systems and attachment styles. *Journal of Behavioral Sciences.*7(4) ;2014: 289-295. [Persian]. [\[Link\]](#)
36. Endler NS, Parker JD. Multidimensional assessment of coping: A critical evaluation. *J Pers Soc Psychol.* 1990; 58(5): 844–854. [\[Link\]](#)
37. Boysan M. Validity of the Coping Inventory for Stressful Situations - Short Form (CISS-21) in a Non Clinical Turkish Sample. *Düşünen Adam: J Psychiatr Neurol Sci.* 2012; 25(2): 101-107. [\[Link\]](#)
38. Hosseini Dowlatabadi F, Sadeghi A, Saadat S, Khodayari H. Relationship between self- efficacy and self- actualization with coping strategies among students. *Research in Medical Education.* 2014; 6(1): 10-18. [Persian]. [\[Link\]](#)
39. Ghoreyshi Rad F. Validation of Endler & Parker coping scale of stressful situations. *Journal of Behavioral Sciences.*2010;4(1): 1-7. [Persian]. [\[Link\]](#)
40. Connor KM, Davidson JRT. Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depress Anxiety.* 2003; 18(2): 76–82. [\[Link\]](#)
41. Bigdeli I, Najafy M, Rostami M. The Relation of Attachment Styles, Emotion Regulation, and Resilience to Well-being among Students of Medical Sciences. *Iranian Journal of Medical Education.* 2013; 13(9): 721-729. [Persian]. [\[Link\]](#)
42. Keyhani M, Taghvaei D, Rajabi A, Amirpour B. Internal Consistency and Confirmatory Factor Analysis of the Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC) among Nursing Female. *Iranian Journal of Medical Education* 2015; 14(10): 857-865. [Persian]. [\[Link\]](#)

Prediction of the Resiliency of Labour Children based on Coping Strategies with Stress and Attachment Styles

Solmaz Pasyar¹, Seyyed Valiollah Mousavi², Sajjad Rezaei^{*3}

1. M.A. in Clinical Psychology, Faculty of Humanity Sciences, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran
2. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran

Received: November 17, 2017

Accepted: November 17, 2017

Abstract

Background and Purpose: Labour children are exposed to various risks and resiliency in high-risk situations is very important. This study aimed to predict the resilience of labour children based on coping strategies with stress and attachment styles.

Method: In a correlational study, 100 labour children who have referred to Tehran labour children Support organizations, the Department of Social Welfare of District 15, Molavi child labor center, and the Tehran's Great Market were selected using convenient sampling method and responded to *coping inventory for stressful situations* (Endler and Parker, 1990), *revised adult's attachment styles* (Collins & Reid, 1996), and *resilience scale* (Connor and Davidson, 2003). Data were analyzed using Pearson correlation coefficient and hierarchical regression analysis after eliminating the confounding effect of gender

Results: Correlation coefficients demonstrated that there is a significant positive correlation between resilience with secure and ambivalent attachment styles, and problem-oriented and avoidant coping strategies ($P < 0.01$). Resilience levels were not correlated with age, education level, and duration of employment in children ($P > 0.05$). Regression analysis also showed that after eliminating the gender effect, the subscales of attachment will not explain the resiliency and only the problem-oriented coping strategy ($\beta = 0.331$, $P = 0.001$) predicts 27% of the joint variance of the resilience ($F = 6.134$, $P < 0.0001$).

Conclusion: Based on the findings of this study, it can be concluded that the problem-solving coping strategy by focusing on solving the problem helps to create intellectual coherence in the individual and enables the person to identify and control the source of stress which results in prediction and increased resilience of the individual.

Keywords: Resilience, stress coping strategies, attachment styles, working children

Citation: Pasyar S, Mousavi SV, Rezaei S. Prediction of the resiliency of labour children based on coping strategies with stress and attachment styles. Quarterly Journal of Child Mental Health. 2018; 5(4): 1-12.

***Corresponding author:** Sajjad Rezaei, Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran.

Email: Rezaei_psy@hotmail.com

Tel: (+98) 013-33690385